

اشخاص معنوی و اقدامات تأمینی

منظور قوانینی وضع شد و از آن جمله قانون ۲۱ ژانویه ۱۷۹۰ میباشد ماده اول مقرر میدارد:

هرگاه کسی جزاء محکوم شود از این محکومیت هیچ قسم اثر جزائی بخانواده محکوم و تسان و بستگان او متوجه نخواهد بود.

پس از تصویب این قانون والدین و سایر اقربای کسانی که محکومیت نرذیلی داشتند کاملاً میتوانند از حقوق اجتماعی خود بهره مند شوند و مشاغل دولتی و غیره داشته باشند.

بموجب ماده ۷ فوق الذکر هم اشخاص معنوی مانند شرکتها و جمعیتها و هیئتها و غیره از اعمال عمال و کارمندان خود جزاء مسئول نمیشوند ولی از جنبه حقوقی ممکن است مسئول شناخته شوند مگر در مواردیکه قانون صریحاً ترتیب خاصی معین نموده باشد.

نظریه دیگر

بعقیده بعضی از دانشمندان هرگاه رئیس یا مدیر شرکت مرتکب گناهی شود در بعضی موارد خود شرکت یا هیئت نیز مسئولیت جزائی باید داشته باشد زیرا رئیس یا مدیر شرکت یا هیئت با وسائلی که از طرف شرکت در دسترس او گذارده شده بارتکاب گناه قدرت پیدا کرده و باقوه و اعتبار شرکت توانسته است سوء نیت خود را عملی نماید و اگر تنها بود نمیتوانست گناه را انجام بدهد. ولی عده زیادی از محققین مخالف این نظر میباشند و میگویند چون کبفر شخصی میباشد غیر از مرتکبین اصلی و شرکاء و معاونین کسی دیگر نباید مسئول شناخته شود و علاوه میکنند چطور ممکن است يك نفر کارمند شرکت یا هیئت را بیفر داد در صورتی که نه سوء نیتی داشته و نه از وقوع جرم مطلع بوده است.

بموجب ماده ۷ قانون آئین دادرسی کیفری تعقیب امر جزائی و حفظ حقوق عمومی فقط نسبت بمرتکب جرم و کسانی خواهد بود که شرکت در آن جرم داشته اند. بنابراین کیفر و تمام آثار جزائی عمل بمرتکب آن و شرکاء و معاونین مختص بوده و با اشخاص دیگر هیچوجه سرایت ندارد. البته موضوع در نظر ماها فعلاً از بدیهیات اولیه میباشد ولی سابقاً قضیه این طور نبوده و حتی در بعض کشور های اوروپا هم اقربای شخص مرتکب گناه غالباً گرفتار عواقب وخیم عمل او میشدند.

پیدایش این نظر در فرانسه

در زمان ساق قوانین کیفری در فرانسه بر مبنای عدل و انصاف متکی نبود کیفر اعمال غالباً پس از انجام یافتن آن بطور دلخواه تعیین و اجرا میشد گنهکار در موقع ارتکاب کیفر عمل خود را نمیدانست و از عواقب وخیم آن بی اطلاع بود تا اینکه در ۲۶ ماه ار ۱۷۸۹ اعلامیه بنام اعلامیه حقوق بشر منتشر گردید. اعلامیه مشتمل بر ۱۷ ماده و پاره مواد آن اصول و مبانی جدیدی برای قوانین کیفری معین نموده ماده ۸ مقرر میدارد: کیفر باید بموجب قانونی باشد که قبل از ارتکاب گناه مقرر شده و انتشار یافته است [رجوع بماده ۶ قانون کیفری همگانی ایران] و قاعده مهم زیر هم بر ماده ۲ اعلامیه نامبرده متفرع میباشد:

۱- قانون فقط از اعمالی باید جلوگیری کند که برای جامعه ضرر داشته باشد.

۲- قانون فقط در صورت لزوم و ضرورت برای عملی باید کیفر معین نماید.

پس از نشر این اعلامیه اولیای امور وقت در صدد بودند عیوب و نواقص قانون سابق کیفری را رفع نموده و آنرا بر اساس اعلامیه جدید استوار نمایند در تعقیب همین

معنوی و جلوگیری از تخلفات کارمندان آنها توجه خاصی مبذول داشته و بالتبع به دادگاه اختیار داده در صورت اقتضا هیئت را منحل نماید و باینطور موقت آنرا از عمل ممنوع کند (ماده ۴۶۶). بدون اینکه این اقدامات مانع از تعقیب و کیفر شخص مرتکب گناه باشد ولی دادگاه در صورتی می تواند حکم انحلال یا توقیف عملیات اشخاص معنوی را بدهد که مرتکب بوسائلی که شخص معنوی در دسترس او گزارده برای ارتکاب گناه متوسل شود و یا بنحوی از انحاء ز قدرت و اعتبار شخص معنوی استفاده نماید.

یکی از محققین میگوید «در موقعی که میبینیم خطر اشخاص معنوی برای جامعه ها رو باز دیاد مییاشد و اجرای کیفر در حق افراد و کارمندان اشخاص معنوی بهیچوجه مانع عملیات و جلوگیری از خطر نمیکند این قبیل اقدامات تأمینی برای جامعه بیشتر ممکن است مورد استفاده واقع گردد. نکته قابل تذکر این است در بعض از کشورها تشخیص موقع برای لزوم انحلال اشخاص معنوی یا توقیف عملیات آن باختیار قوه مجریه گزارده شده ولی بهتر این است حق دخالت بقوه قضائیه داده شود تا تکلیف نهائی را معین نماید.»

وحدت

اختلاف عقیده در این زمینه هنوز باقی ولی بعض از قوانین جدید به منظور دفاع از جامعه تحت عنوان اقدامات تأمینی باقتضای موقع گاهی شرکت رجعیت را منحل نموده و گاهی عملیات آنرا موقتاً توقیف میکنند بدیهی است فایده این اقدام برای جامعه بیشتر از فایده کیفری باشد. بموجب قانون فرانسه هرگاه رئیس یا مدیر هیئت یا جمعیت یا شرکتی مرتکب گناهی شود که مجازات آن حبس زاید بر یکسال باشد و مرتکب بوسائلی که هیئت یا جمعیت یا شرکت در دسترس او گزارده برای ارتکاب جرم توسل نموده و با ز قدرت و اعتبار شرکت بهرنحوی از انحاء استفاده کرده باشد دادگاه میتواند حکم انحلال شرکت یا هیئت یا جمعیت را بدهد و با اینکه آنها را موقتاً از عملیات ممنوع نماید و این امر مانع از تعقیب مرتکب گناه نخواهد بود.

اشخاص معنوی نمیتوانند در ظرف مدت ممنوعیت عملی را انجام دهند. متخلفین بحبس از یک ماه تا ۶ ماه محکوم میشوند.

در صورتیکه حکم انحلال صادر شود پس از قطعیت آن حساب های شرکت مطابق مقررات مخصوص باید نصفیه شود دیگر نمی توان با اسم هیئت محکوم بانحلال کاری انجام داد.

قانون اسپانی

قانون ۸ سپتامبر ۱۹۰۸ برای اصلاح حال اشخاص

استرداد اشیاء و اموال توقیف شده

از طرف دادگاه جزائی

ماده ۵ قانون مجازات عمومی

حقیقت ممکن است اشیاء و اموال و آلائی را توقیف نموده که ضمن دلائل گناه بکار میروند - منظور از این حق فقط

دادسرا و مأمورین کشف جرایم برای رسیدگی و بازرسی در اطراف گناه بمنظور روشن شدن موضوع و سهولت درک